

www.ketab.ir

مسیحیت
آیین بی‌شریعت

سرشناسه: حسینیان، حامد، ۱۳۶۵
عنوان و نام پدیدآور: مسیحیت آیینی شریعت: (بررسی انتقادی - تطبیقی ایمان و شریعت در اسلام و مسیحیت) / تألیف حامد حسینیان.

مشخصات نشر: تهران: علیون، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۲۲۴ ص.

شابک: ۳۱۰۰۰ رایان: ۷-۵-۹۱۶۶۶-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرستنویسی: فیا

عنوان دیگر: بررسی انتقادی - تطبیقی ایمان و شریعت در اسلام و مسیحیت.

موضوع: اسلام و مسیحیت - مطالعات تطبیقی

رویدادی کنگره: ۲۹۷/۴۷۳

شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۰۷۵۷۴



انتشارات علیون

عنوان: مسیحیت آیین بی شریعت

(بررسی انتقادی - تطبیقی ایمان و شریعت در اسلام و مسیحیت)

تألیف: حامد حسینیان

نوبت چاپ: اول بهار ۱۳۹۰

شمارگان: ۲۰۰۰ قیمت: ۳۱۰۰ تومان

حروفچینی و لیتوگرافی: انتشارات علیون

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۶۶۶-۰۵۷

نشانی: تهران، خیابان شریعتی، بالاتر از پل رومی،

روبروی بانک مسکن، پلاک ۱۹۵۶

صندوق پستی ۱۹۲۹۵/۴۶۵۴

تلفن: ۲۲۶۸۹۰۲۰

کتابه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است

email:eliyon@mailfa.org

فهرست مطالب

۱۱ سر آغاز سخن

فصل اول:

۱۷ ایمان مسیحی

۱۹ مبانی ایمان مسیحی

۱۹ ۱- انسان، طینت تنیده در گناه

۲۶ ۲- هدایت، فیض رایگان

۲۷ اسلام و فیض هدایت

۲۳ ۳- ایمان بدون نقش عقل

۴۲ عقل در اسلام

۴۶ ایمان مسیحی

۴۸ متعلق ایمان مسیحی

۴۸ ۱- خدا

۵۰ ۲- عیسی (ع)

۵۱ ۳- روح القدس

۵۲ ۴- تثلیث

۵۵ ۵- تجسم

۵۵	۶- رستاخیز
۵۶	۷- مسئله‌ی نجات
۵۸	راز رستگاری: ایمان به مسیح کفاره است
۶۱	نقد مسئله‌ی فدیة
۶۲	آثار ایمان مسیحی
۶۳	ایمان اسلامی
۶۵	مبتلع ایمان اسلامی
۶۶	آثار ایمان اسلامی
۶۶	در ترازوی باور و اندیشه
۶۷	در ترازوی احساسات درونی و معنوی
۶۷	در ترازوی عبودیت خدا و طاعت رسول
۶۸	در ترازوی عمل به شریعت
۷۰	در ترازوی صفات اخلاقی
۷۴	برای مطالعه بیشتر: پژوهشی در ایمان اسلامی
۷۸	افزایش مراتب ایمان

فصل دوم:

۸۱	عبادت مسیحی
۸۳	مسیحیت، آیین بی شریعت
۸۶	چرا ایمان از شریعت کفایت می‌کند؟
۸۹	چرا باید نیکوکار بود؟
۹۰	شریعت اخلاق
۹۲	طریق محبت
۹۵	نقد شریعت گریزی مسیحیت پولسی

۹۵	نقد درون دینی
۹۹	نقد بیرون دینی
۱۰۷	شریعت در اسلام
۱۰۷	رابطه‌ی ایمان و عمل در اسلام
۱۱۰	راز عبادت در اسلام
۱۱۳	عبادت میحی (آیین‌های عبادی)
۱۱۳	عشای ربانی
۱۱۵	نماز
۱۱۷	نیایش
۱۱۸	غل تعمید
۱۱۹	مراسم عبادی عید پاک
۱۲۰	تأیید یا تثبیت ایمان
۱۲۰	توبه
۱۲۱	تدهین
۱۲۱	ازدواج
۱۲۲	اجرای مراسم ازدواج

فصل سوم:

۱۲۳	ریشه‌های انحراف
۱۲۵	۱- پولس مؤسر
۱۲۹	۲- معرفت انجیلی
۱۲۹	اعتبار کتاب مقدس
۱۲۹	اعتبار سندی کتاب مقدس

- ۱۴۰ اعتبار منبع کتاب مقدس.
- ۱۳۴ مصونیت پاپ.
- ۱۴۶ اعتبار معارف کتاب مقدس در رهنمایی.
- ۱۳۶ کتابی نازل شده برای هدایت نبود.
- ۱۴۰ ضعف معارف.
- ۱۴۰ ضعف آموزه‌ها.
- ۱۴۲ ضعف خداشناسی.
- ۱۵۲ حمایت با مقدس پیامبران.
- ۱۵۶ نتیجه: حمله به مقدسات.
- ۱۵۸ حمله به خدا.
- ۱۵۹ حمله به تثلیث.
- ۱۶۰ حمله به عیسی پیامبر الهی.
- ۱۶۰ حمله به انجیل.
- ۱۶۱ حمله به دیگر آموزه‌های ایمان مسیحی.
- ۱۶۴ ۲- تحریف در گذر از تاریخ.
- ۱۶۹ ۴- فقر معرفت‌شناسی.
- ۱۶۹ سردرگمی معرفت‌شناسان غربی.
- ۱۷۳ رده‌آورد فیلسوفان.
- ۱۷۹ راه فیلسوفان مسلمان.
- ۱۸۱ نتیجه: روی آوردن به ایمان گرای. تجربه‌ی دینی و پلورالیسم.
- ۱۸۳ دعوت به ایمان گرای.
- ۱۸۶ نقد ایمان گرای.
- ۱۸۹ دعوت به تجربه‌ی دینی.
- ۱۹۴ نقد تجربه‌گرای دینی.

۱۹۹	دعوت به پلورالیسم
۲۰۳	نقد پلورالیسم
۲۰۸	۵- عوامل محیطی
۲۰۸	محیط اخلاقی و اجتماعی نامساعد
۲۱۰	عملکرد نه کلیا
۲۱۳	خانهای دین کجاست؟
۲۱۷	کتابنامه

سر آغاز سخن

در کتاب وفاتان حکیم آمده بود: سال‌ها پیش انگشتری قدیمی وجود داشت که صاحب خود را در پیشگاه خداوند و مردم، محبوب جلوه می‌داد. این انگشتر که کلید خوشبختی و سعادت بود، از نسل به نسل دیگر به ارث می‌رسید و همیشه محبوبیت و کرامت را به ارمغان می‌آورد. دست تدبیر انگشتر را به دست پدری سپرد که سه فرزند داشت. هر سه فرزند برای پدر عزیز بودند و پدر نمی‌توانست انتخاب کند که این نگین خاتم سلیمان را زینت دست کدامین فرزند کند. تدبیر پدر چنین شد که دو انگشتر بدلی ساخت و به هر سه پسر یک انگشتر داد. بعد از مرگ پدر، هر سه ادعا می‌کردند که آنچه به دست دارند، انگشتر حقیقی است. از طرفی کسی هم نمی‌توانست ثابت کند انگشتر حقیقی در دست کیست. چون از شناخت حقیقت ناتوان شدند، حکیمی آنان را چنین توصیه کرد که هر یک با اعمال نیک و محبت‌آمیز چنان رفتار کنند که گویی انگشتر راستین را به دست دارند. بدین طریق در نهایت مهم نبود که چه کسی انگشتر واقعی را در اختیار داشت این سه پسر یهودیت و مسیحیت و اسلام نام داشتند که یک روز از خود

فراتر خواهند رفت و به عنوان دین جهانی محبت متحد خواهند شد.^۱

این داستان سروده‌ی لسینگ آلمانی است. لسینگ آن را اندیشه‌ی وحدت ادیان نامیده بود و من آن را پلورالیسم محبت می‌نامم. مسیحیت در دوراهی شناخت قرار داشت و چون راهی برای خلاصی نداشت. دیگر کیشان را نیز چون خود پنداشت و با دعوت به طریق محبت سعی می‌کرد خلأ معرفتی خویش را جبران کند. روی آوردن مسیحیت شرقی به عرفان و روی آوردن مسیحیت غربی به الهیاتی همراه با تسامح و تساهل در پروژه‌ی الهیات لیبرال، حاصل همین ضعف در نظام معرفتی بود.

بارها وقتی تعالیم مسیحیت را شنیده بودم، در اندیشه و حیرت فرو رفته بودم که چگونه چنین معارفی از آن پیامبر الهی صادر شده است. تناقض‌گویی‌های کتاب مقدس و ضعف الهیات مسیحی همیشه سؤالاتی بی‌پاسخ من بودند. اکنون سؤالات بی‌شمار ذهن من پاسخ خود را یافته‌اند. مسیحیت نه ساخته‌ی آن مسیح پاک، که ساخته و پرداخته‌ی پولس رسول بود؛ پولسی که در راه مبارزه با مسیحیت به یک باره مدافع مسیح شده بود و تعالیم مسیح را به یک‌سویه بهتر از حواریون مؤسس عیسی (ع)، آموخته بود! هر چند جان بی. ناس در تاریخ جامع ادیان پولس را مؤسس دوم مسیحیت نامیده بود، ولی در حقیقت یگانه پایه‌گذار معرفت مسیحی، پولس است.

اکنون باید همت خویش را جزم کنم تا آینه‌ای تمام‌نما از کلام مسیحی برای شما ارائه کنم. این روزها هجوم رسانه‌ها می‌خواهند فروغ بی‌نظیر مشعل اسلام را

۱. کالین براون، فلسفه و ایمان مسیحی، ترجمه طاهره میر میکانیلیان، شرکت انتشارات علم و فرهنگ.

خاموش کنند و باطل خویش را حقیقت جلوه دهند. شبکه‌های ماهواره‌ای اسلام‌ستیز، چهره‌ی ترسناکی از اسلام نشان می‌دهند و شبکه‌های مسیحی، مسیحیت را راه‌رهایی معرفی می‌کنند؛ شبکه‌هایی که حتی شک دارم از سوی کلیسا اداره شوند. دشمنان قدرت اسلام را شناخته‌اند و تمام کوششان این است که نسخه‌ای از دین عرضه شود که برای آنها خطری در پر نداشتن باشد. این روزها سؤالات زیادی ذهن جوانان ما را به خود مشغول کرده است که آیا مسیح نمی‌تواند سعادت را ارزان‌تر بر ایمان به ارمغان آورد؟ رسالت سختی بر دوش‌هایم احساس می‌کنم. سنگینی این رسالت همان تعهد عالمان است. نمی‌دانم موفق می‌شوم یا نه، که شناکردن در اقیانوس سخاو است، اما به قدر همت باید کاری می‌کردم.

قلم را به نام خدا به رقص درآوردم و اندیشه‌هایی را که سال‌ها با آن آشنا شده بودم، بر صفحات سفید کاغذ نقش کردم. فصل اول این نوشتار را با اندیشه‌ی گناه ازلی آغاز کردم. مفهوم گناه سراغاز آموزه‌های کلام مسیحی است. به عقیده‌ی پولس انسان برده‌ای بود فروخته شده به گناه؛ گناهی که جز با فیض الهی نجات از آن میسر نبود. مسیح بر صلیب کفاره‌ی گناه آدم داده بود و خداوند به شکرانه‌ی قربانی فرزند خویش، همگان را به رایگان از نجات برخوردار کرده بود. در این فصل سعی کردم اصول ایمان مسیحی را تشریح کنم و گاه برای افشای داشته‌های خود، کمی از اصول متعالی ایمان اسلامی را هم بنگارم.

فصل دوم در معرفی آیین مسیحی سیری شد. در این فصل سعی کردم جایگاه عبادت را در آیین مسیحیت ترسیم کنم. عبادتی که پس از تعالیم پولس جایگاه خود را از دست داد. باید می‌نوشتیم که پولس به چه بهانه‌ای دین را از شریعت تهی کرده است. البته هنوز هم به همت برخی از بدران کلیسا عبادت‌هایی مختصر به جا مانده است. و باید به آنها هم اشاره می‌کردم.

در فصل سوم به بررسی عوامل انحراف مسیحیت پرداختیم؛ انحرافی که ریشه در تعالیم دوگانه پولس داشت. نقص نظام معرفتی و حمله به مقدسات از سوی اندیشمندان مسیحی نیز تأثیر زیادی داشت که نباید از آن غفلت می‌شد. مسیحیت از تاریخ دو هزار ساله‌ای عبور کرده و فراز و فرودهای تاریخ و عملکرد بد نگهبانان آیین نیز چهره‌اش را مجروح ساخته است.

در خاتمه‌ی این سرآغاز اشاره می‌کنم تمام روزهایی که قلم به دست گرفته بودم تا شرحی به مسیحیت بنگارم، سعی داشتم تنها با عرضی مسیحیت به نقد آن پرداخته باشم. اما گاه برای عرضه خوب باید نمونه‌های دیگری هم عرضی می‌شد تا کالای ناب در مقایسه با کالاهای رقیب، خود را بهتر نمود دهد و عیب‌ها در متاع معیوب زودتر نمایان شوند. از این رو بود که گاه به تطبیق اسلام و مسیحیت پرداختیم.

در تمام خستگی‌های راه پژوهش این وجدان قلم بود که مرا رها نمی‌کرد و با روشنگری‌های خود مرا وامی‌داشت فضایی ترسیم کنم تا حقیقت آشکارتر جلوه کند. قلم نمی‌توانست کتمان کند که بیابان تشنه‌ی مسیحی منتظر باران محمد (ص) بود. با آمدن اسلام، دفتر معرفت به پایان رسیده و سوالات بی‌پاسخ، پاسخ یافته بودند. اکنون اسلام دین کاملی شده است که در تمامی بحران‌های معرفتی، استواری خود را حفظ کرده است. پس این قلم بود که به وجدان دین‌تراش از رسالت آخرین رسول دفاع می‌کرد؛ رسالتی که دیگر به پاسخ‌های مسیحیت قانع نمی‌شد و به همین خاطر بود که تبلیش، فیلسوف دین مسیحی، اعتراف کرده بود:

مشکل ما با ادیان بسیار متکامل آسیا نه به آن خاطر است که آنها پاسخ مسیحیت را فی‌نفسه به عنوان پاسخ رد می‌کنند، بلکه سرشت بشری آنها به طریقی شکل یافته که برای آنها پرسش‌هایی که انجیل

پاسخ آن پرسش‌هاست، مطرح نمی‌شود. به نظر آنها پاسخ مسیحیت اصلاً پاسخ نیست؛ چرا که پرسشی نپرسیده‌اند که مسیحیت پاسخ آن باشد. ما باید برای تبلیغ مسیحیت آنها را به تدریج به گونه‌ای تغییر دهیم تا به مرحله طرح پرسش‌هایی برسند که پیام مسیحی پاسخ آنهاست.^۱

www.ketab.ir

۱. پل تبلیغ، *الهیات فرهنگ*، ترجمه‌ی مراد فرهادپور و فضل‌الله باکترآباد، طرح نو، چاپ اول، ۱۳۷۶، مصر.